

Insightful Components and Effective Structural Elements in the Birth of Islamic Civilization from the Perspective of the Holy Quran

Saeed Hamidi¹

¹Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Islamic Azad University, Mahabad Branch,
Mahabad, Iran.

Article information	ABSTRACT
Article type: Research Paper KEYWORDS: Holy Quran, Islamic civilization, Reproductive factors Received: 2025/07/12 Accepted: 2025/07/22 *Corresponding author: saeed.hamidi56@gmail.com How to cite this paper: Hamidi, S., (2025). Insightful Components and Effective Structural Elements in the Birth of Islamic Civilization from the Perspective of the Holy Quran. <i>Interdisciplinary Studies of the Quran and Theology</i>. 2(2): 152-174.	The comprehensiveness and depth of the Holy Quran in providing effective strategies with the aim of introducing and strengthening the elements of civilization is a clear and thoughtful matter. So that today, after centuries, civilization researchers must examine and search for the most enduring productive requirements in the matter of Islamic civilization among the divine verses. It is necessary to clarify this point that by reviewing the pure teachings of revelation; while identifying the elements of insight and system of the Quran, the solid standards of the desired society will be available to thinkers and reformers of Islamic societies. Sublime models and valuable criteria that can outline the direction of the Islamic society towards achieving the goals of Islamic civilization. Therefore, this descriptive-analytical research seeks to answer the main question: from the perspective of the Holy Quran, which of the visionary components and structural elements are considered effective factors in the birth of Islamic civilization? Based on divine verses and referring to library sources, the results show that factors such as promoting a God-centered culture, achieving hope through the Islamic nation's reliance on Quranic rituals, and also focusing on the path of creating cohesion are considered visionary requirements in the realization of Islamic civilization. In addition, components such as ensuring national dignity in the dimensions of governance, formulating laws to achieve justice-centeredness, improving the level of capability in the science-based field, striving to ensure military security, and striving to strengthen capital foundations as structural factors contribute to the birth of Islamic civilization.
DOI: 10.22034/isqt.2025.15306.1035	

مؤلفه‌های بینشی و عناصر ساختاری مؤثر در زایش تمدن اسلامی از منظر قرآن کریم

سعید حمیدی^۱

^۱ استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد، مهاباد، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: علمی پژوهشی	جامعیت و ژرف‌نگری قرآن کریم به جهت ارائه راهبردهای مؤثر و با هدف معرفی و تقویت عناصر تمدن‌ساز امری روشن و قابل تأمل می‌باشد. به طوری که امروزه پس از گذشت قرن‌ها، تمدن‌پژوهان می‌بایست پایدارترین الزامات مولد در امر تمدن اسلامی را در میان آیات الهی بررسی و جستجو نمایند. چنانچه لازم است بدین نکته تصریح نمود که به واسطه بازبینی آموزه‌های ناب و حیانی، ضمن شناسایی عناصر بینشی و نظامند قرآنی، معیارهای استوار جامعه مطلوب در دسترس متفکران و مصلحان جوامع اسلامی قرار خواهد گرفت. الگوهایی متعالی و ملاک‌هایی ارزشمند که می‌توانند جهت‌گیری جامعه اسلامی را به سمت نیل به اهداف تمدن اسلامی ترسیم نمایند. لذا این پژوهش توصیفی-تحلیلی درصدد پاسخ بدین سؤال اصلی است که از منظر قرآن کریم کدامیک از مؤلفه‌های بینشی و عناصر ساختاری، جزء عوامل مؤثر در زایش تمدن اسلامی به شمار می‌آیند؟
واژگان کلیدی: قرآن کریم، تمدن اسلامی، عوامل زایش	به استناد آیات الهی و مراجعه به منابع کتابخانه‌ای نتایج نشان می‌دهد؛ عواملی همچون ارتقاء فرهنگ خدامحوری، حصول امیدآفرینی به واسطه اتکاء امت اسلامی به شعائر قرآنی و نیز جهت‌گیری بر مدار انسجام آفرینی، به مثابه الزامات بینشی در تحقق تمدن اسلامی محسوب می‌گردند. ضمناً مؤلفه‌هایی نظیر تأمین عزت ملی در ابعاد حکمرانی، تدوین قوانین در جهت تحقق عدالت محوری، ارتقاء سطح توانمندی در عرصه علم‌مدارانه، تلاش در جهت تأمین امنیت نظامی و اهتمام به تقویت بن‌مایه‌های سرمایه‌ای به منزله عوامل ساختاری به زایش تمدن اسلامی کمک می‌نماید.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۱	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۳۱	
* پست الکترونیکی نویسنده مسئول: saeid.hamidi56@gmail.com	
ارجاع: حمیدی، س.، ۱۴۰۴، مؤلفه‌های بینشی و عناصر ساختاری مؤثر در زایش تمدن اسلامی از منظر قرآن کریم، دوفصلنامه بین رشته‌ای قرآن و الهیات، ۲(۲): ۱۵۲-۱۷۴.	

مقدمه

اگر چه تمدن اسلامی^۱ وجوه مشترکی با دیگر تمدن های جوامع انسانی دارد، لیکن بعنوان یک تمدن برتر دارای عناصر بارز و مستحکمی است. بطوریکه این تمدن عظیم بواسطه هدفمندی ذاتی که در قالب جهت گیری الهی-فرهنگی خویش و منبعث از مبادی معرفتی و غیرمادی بوده است، پیوسته از سایر تمدن های شرق و غرب متمایز می گردد.

تمدن اسلامی که با ظهور دین پیامبر خاتم(ص) و نزول وحی آغاز گردید نه به مانند تمدن باستانی یونانیان صرفا در گرو منشور عقلانیت و تئوری های انسانی بوده و نه به مانند تمدن ایرانی و رومی به دنبال کنشگری های قدرت طلبانه سیاسی و نفوذ جغرافیایی و تهاجمات نظامی در حدود و ثغور همسایگان بوده است. بلکه خود به منزله تمدنی مستقل و قانونمند و با اتکاء به آموزه های استوار فطری و انسانی به مثابه الگویی جدید و متعالی از مرزهای جزیره العرب گذشت.

تمدن اسلام با گذر از آندلس در غرب و با فراگیری تا مرزهای چین در شرق توانست دیگر امپراطوری های پیشین را دربرگیرد. چراکه پیدایی و پویایی این تمدن بالنده با تأسی به صفاتی همچون توحید و یکتاپرستی، تفکر و معنویت، جهاد و اجتهاد، عدالت و انصاف و بعبارت دقیق تر همگامی با مناسبات انسانی^۲ الگوی همزاد و همراه فطرت بشری گردید. به رغم این گذر تاریخی امروزه نیز به برکت انقلاب اسلامی ایران، مبادی توسعه عناصر تمدن اسلامی درحصول یک جامعه مطلوب آرمانی به عنوان هدف نهایی بیش از گذشته مورد توجه جهان اسلام قرار گرفته است. بطوریکه پاسخ بدین سوال که برای حصول پایایی امت اسلام در سایه تمدن اسلامی کدامیک از معیارهای اجتماعی و سیاسی تمدن ساز می بایست تقویت گردد؛ از آمال مصرح اندیشمندان و خیرخواهان اسلامی می باشد. به بیان دیگر مؤلفه های اصلی در زایش تمدن اسلامی چیست و عناصر پدید آورنده آن کدام است؟ چنین سوالاتی در چند دهه گذشته ذهن متفکران اسلامی را به خود مشغول نموده و هر یک به فراخور مجال فکری، عواملی را در باز کاوی تمدن اسلامی مدنظر داشته اند. لیکن با وجود این اختلاف در آراء و نظریات، نقطه اشتراک همه آنان متکی بودن به پیشرفت مقبول و همه جانبه ارزش های بنیادین و رسیدن به تمدن مطلوب اسلامی بر مبنای نگرش الهی و جهان بینی توحیدمآبانه است. البته واضح است که این جهت گیری برخلاف عناصر هویت بخش جوامع متمدن در فرهنگ^۳ سکولار^۴ و غیر الهی با مبنای متافیزیکی می باشد که به پیشرفت در علم و فن آوری و سلطه بر طبیعت صرفا به منظور تأمین آسایش مادی قائل اند.

1. Islamic civilization

2. Humman Releations

۳. تنوع و گستردگی معنایی این واژه بحدی است که برخی از محققان ۱۶۴ تعریف و عده ای دیگر ۳۰۰، ۲۵۰ و حتی ۴۰۰ تعریف متفاوت از آن مطرح نموده اند. (در

این باره بنگرید به: پهلوان، جنگیز، فرهنگ شناسی، تهران: پیام امروز، ۱۳۷۸ش)

۴. Secular

در این میان اگرچه مظاهر مادی و اسباب آسایش از منظر قرآنی مطرود نیست؛ لیکن اصالت نهایی از آن ارزش‌هایی خواهد بود که مربوط به بُعد حقیقی انسان و حیات مطلوب وی می‌گردد. در نتیجه قرآن با تأیید روابط عینی و همچنین تصریح ارتباط معنادار و جهت دار میان زندگی دنیوی (مادی) با وجوه معنوی (اخروی) روشن‌ترین سیمای تمدن اسلامی را برای جامعه مطلوب بشری ارائه نموده است.

بر همین اساس پژوهش حاضر به دنبال معرفی آن دسته از عوامل اجتماعی و سیاسی در قرآن است که با اتکای به فرهنگ دینی و سنن الهی قادرند ضمن تقویت عناصر زایش تمدن اسلام، ذیل استمرار و ارتقاء فرهنگ اسلامی سعادت پایدار جوامع اسلامی را تضمین نمایند.

پیشینه پژوهش

در حوزه تمدن اسلامی، کتب و رسالات مختلفی نگارش یافته و همایش‌های علمی گوناگونی برگزار شده است؛ که نشان از اهمیت بالای مباحث در این عرصه دارد. به علاوه پژوهشگران در این زمینه بسته به اندیشه و تفکرشان تلاش نموده‌اند تا مقالاتی را به جامعه علمی عرضه نمایند.

مقاله‌ای با عنوان «تبیین عوامل ایجاد تمدن نوین اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری» (فرزانه و همکاران، ۱۳۹۷) نمونه‌ای است. واضح است که در این پژوهش اندیشه رهبری مبنی بر تمدن نوین اسلامی تبیین و ایجاد این تمدن به عنوان غایت انقلاب اسلامی معرفی شده است. «زمینه‌ها و بایسته‌های تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر تمدن گرایان» (غفاری هاشجین و خاکی، ۱۳۹۵) عنوان مقاله‌ای است که نویسندگان در آن به دنبال شناخت زمینه‌های شکل‌گیری و بیان بایسته‌های تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر اندیشمندان حوزه تاریخ فرهنگ و تمدن بوده‌اند.

در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی نقش راهبری دانشمندان و حاکمان در بالندگی تمدن اسلامی» (رضایی و همکاران، ۱۳۹۷) تلاش شده است «فرهنگ متعالی اسلام»، «دانشمندان حاذق» و «حاکمان کارآمد» از عوامل محوری در بالندگی تمدن اسلامی معرفی گردد. ضمناً در مقاله «مؤلفه‌های فرامادی تمدن‌ساز از منظر قرآن» (تبریزی زاده اصفهانی، ۱۳۹۹) نقش آفرینی صفات انسانی و اخلاقی در تمدن‌سازی توحیدی مورد بحث قرار گرفته است.

پایان نامه‌ای با موضوع «بررسی مؤلفه‌های تمدن‌سازی اسلامی در نهج البلاغه و آموزه‌های علوی» (ناصریان خلیل آباد، ۱۳۹۳) تحقیقی است که به تبیین مبانی استقرار پایدار تمدن اسلامی از منظر امام علی (ع) پرداخته است.

آنچه این مطالعه را از دیگر مطالعات حوزه تمدن اسلامی متمایز می‌کند آنست که در پژوهش حاضر تلاش شده است تا اولاً مؤلفه‌های بینشی و ساختاری مورد تأکید قرآن احصاء گردد؛ ثانیاً این عناصر به عنوان عوامل زایش تمدن اسلامی مورد توجه قرار گیرد.

چارچوب مفهومی و نظری

۱. تمدن

«تمدن»^۱ مصدر ثلاثی مزید از باب تفعّل است. به باور برخی واژه پژوهان، ریشه «م د ن» معنای سکونت و اقامت در جایی را می‌رساند و واژه «مدینه» نیز برگرفته از آن است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۳/۴۰۲).

برخی معتقدند که «مدینه» تنها واژه مشتق از ماده «م د ن» است (ابن فارس، بی تا: ۹۷۸). واژه شناسان قرآنی، پس از اشاره به مفهوم اقامت در ریشه «مدن»، «تمدن» را به معنای تخلّق به اخلاق اهل مدینه دانسته و اشتقاق آن از واژه «مدینه» را انتزاع گرفته اند (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۱/۵۵).

دیگران در تعریف لغت «تمدن» چنین آورده اند: تخلّق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و هجمیت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت (شرتونی، ۱۴۰۳: ۲/۱۲۹۴؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ۵/۶۹۷۲).

اما به باور برخی متفکران اسلامی معاصر، اصطلاح تمدن به معنای تشکّل هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول همراه با روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه‌ها، جهت پیشبرد اهداف مادی و معنوی و دیگر ابعاد مثبت است (جعفری، ۱۳۶۲: ۵/۱۶۱؛ ر.ک: مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۹: ۸/۶۲۸). برخی از محققان غربی نیز در تعریف تمدن نوشته‌اند: تمدن به معنای نظامی اجتماعی است که خلاقیت فرهنگی را به ارمغان می‌آورد (ویل دورانت، ۱۳۷۸: ۳/۱). لذا آنچه به نظر واضح می‌رسد آن است که وجود سازمان و نظم اجتماعی برای پیشرفت مادی و معنوی در جوامع بشری، نقطه مشترک تعاریف بسیاری از دانشمندان در زمینه بیان مفهوم تمدن است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۹۵-۹۶).

۲. تمدن اسلامی

با پیدایش اسلام و انتشار سریع و گسترده آن در میان اقوام و ملل و جلب و جذب فرهنگ‌های گوناگون بشری، بنای مستحکم از فرهنگ و تمدن انسان پایه‌گذاری شد که در ایجاد آن، ملل و نژادهای مختلفی سهیم بودند. اما منظور از تمدن اسلامی، مجموعه افکار، عقائد، علوم، هنرها و صنایع است که با الهام از آموزه‌های دینی توسط مسلمین پدید آمده است. با این نگرش، تمدن اسلامی را می‌توان اینگونه تعریف کرد: تمدن اسلامی با نگرش توحیدی تمدنی است ایدئولوژیک با مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه اسلامی، که انسان را به سوی کمال معنوی و مادی سوق می‌دهد (جان احمدی، ۱۳۹۶: ۵۱). مبنای تفاوت تمدن غرب با اسلام در همین نکته است. در تمدن غرب، محور تمدن عوامل مادی است؛ اما در تمدن اسلامی عوامل معنوی به همان اندازه و حتی بیشتر از عوامل مادی اهمیت دارند. چنانچه مقام معظم رهبری می‌فرماید: «این اقبالی که دل‌های شما به سوی خدا و معنویت و ذکر و خشوع و توجه و تضرع دارد، خیلی با ارزش است. این همان عامل است که یک روز اسلام را از یک جمع محدود و غریب

۱. این واژه در میانه سده هجدهم میلادی در برابر بربریت وارد عرصه مکتوبات علمی جهان گردید. (فرجی، مهدی، نوربرت الیاس و تحلیل تمدنی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات: ۱۳۹۵)

به تمدن عظیم جهانی تبدیل کرد و این تمدن قرن‌ها_ لاقلاً در چند قرن از قرون اولیه_ دنیا را اداره کرد و امروز هم دنیا مدیون تمدن اسلامی است. توجه به خدا و توجه به معنویت، باعث تکوین چنین تمدنی شد و آلاً با انگیزه‌ها و تلاش‌های مادی، چنین تمدن ماندگاری بوجود نمی‌آمد (دیدار با کارگزاران نظام، ۱۳۷۵/۱۱/۲۱).

به بیان دیگر تمدن اسلام با همین پسوند پرمایه دارای آغاز و انتهاست. یعنی از یک سو قابلیت تحدید زمانی و تعریف معنایی دارد؛ از سویی دیگر دارای گستردگی مفهومی و موضوعی بسیاری است که همه پیچیدگی‌ها، ظرایف و جهان شمولی دین اسلام را به عنوان دین الهی در خود دارد» (جان احمدی، ۱۳۹۶: ۵۴).

لذا همسویی بین مقاصد دین اسلام و غایت تمدن اسلامی برای امت مسلمان امری لاینفک است. چراکه هر دو با اتکاء به جهان بینی برخاسته از متن قرآن و سیره نبوی(ص) هر آنچه را که بشر در تعالی بدان نیازمند است دارا هستند. در حقیقت مقصود از تمدن اسلامی تمدن جمیع ملل اسلامی بدور از نژاد و رنگ و مرزبندی‌هاست که پیروانش را بواسطه دین رسمی و زبان مشترک در کلام قرآنی به گفتمان^۱ سازنده در جهان اسلام رهنمون می‌نماید.

۳. عوامل زایش تمدن اسلامی

بررسی الزامات^۲ موثر در تقویت تمدن اسلامی بدون آشنایی با عناصر تمدن ساز دین اسلام امری ناقص و یا کم اثر خواهد بود. لذا توجه به برخی عوامل که از ارکان زایش تمدن اسلامی محسوب می‌گردد در تبیین موضوع ضروری است.

از آنجا که اصلی ترین معنای مورد توافق محققان در تبیین واژه تمدن، شهرنشینی و اقامت است، لذا عواملی همچون حفظ وحدت^۳، امنیت و آرامش، همبستگی ملی، همکاری و تعاون، اخلاق و دین مداری و تساهل و تسامح از عوامل زایش تمدن اسلامی خواهد بود (ولایتی، ۱۳۹۲: ۲۷). برخی نیز عناصر تمدن نوین اسلامی را از منظر رهبری؛ کرامت انسانی، علم و معرفت، عدالت گستری، عزت ولایتمداری، آزادی، استقامت و مقاومت، صلح طلبی، استقلال^۴ و اخلاق اسلامی بیان کرده‌اند (افتخاری، ۱۳۹۸: ۲۱).

بنابراین جامعه ای مدنی که در مدار توحید و اسلام محوری، نظم نوین اجتماعی را فراهم نموده و بتواند مدنیت و قانون گرایی، مشارکت جمعی^۵، اقتدار و عزت، سلطه‌ناپذیری و مقاومت را به مثابه عناصری کارساز و متقن به اجتماع مسلمانان ارمغان آورد موفق به تقویت تمدن اسلامی خواهد شد.

^۱. Discourse

^۲. Oblighations

^۳. Unity

^۴. Independence

^۵. Collective Participation

عناصر زایش تمدن اسلامی در قرآن

از آنجاکه تمدن اسلامی دارای همه ویژگی‌های تمدن متعالی در چارچوب آموزه‌های قرآنی است؛ بنابراین برای آشنایی با عوامل توسعه و ارتقاء تمدن اسلامی با تأسی به مبادی دینی و قوانین الهی آن، بایسته است گذرگاه‌های معرفتی قرآن اعم از مولفه‌های اجتماعی و سیاسی مورد بازخوانی قرار گیرد.

۴. مؤلفه‌های بینشی مؤثر در زایش تمدن اسلامی

منظومه معرفتی در قرآن بعنوان پیشران عقیدتی در یک جامعه مطلوب اسلامی، تمایز بخش تمدن اسلامی با سایر اجتماعات انسانی است. در این بین پویایی جوامع اسلامی در ادراک عمیق از مبادی و مناسبات بینشی از عوامل زایش تمدن اسلامی بوده و مورد توصیه قرآن است.

۱.۴. لزوم ارتقاء فرهنگ خدامحوری در جامعه اسلامی

شاید بتوان گفت که در طول تاریخ تمدن‌های بشری پیوسته این سوال مطرح بوده است که آیا روابط و اسباب فعال و مؤثر در مباحثی چون هستی‌شناسی و انسان‌شناختی پیوسته به محسوسات ظاهری و مادی منحصر است؟ یا اینکه عوامل و روابط نامرئی و نامحسوسی نیز در این عالم کارگزارند که از دید همگان پنهان است؟ در پاسخ بدین پرسش باید توجه نمود که جوامع انسانی دو دسته‌اند. گروهی طبیعیون (طرفداران اصالت ماده) هستند که معتقدند هرچه هست طبیعت و ماده است و اسباب دیگری [در تکامل انسانی و بالندگی جوامع بشری] وجود ندارد. گروهی دیگر الهیون (قائلین به ماوراءالطبیعه) هستند که معتقدند علی‌رغم تاثیر طبیعت در نحوه ایجاد تمدن‌ها، لیکن به استناد قرآن چنان نیست که این امور سبب تام باشند. بلکه عامل دیگری هم هست که از حس ظاهر نهان است، لیکن در این جهان و رشد و افول تاریخ جوامع مؤثرند (مطهری، ۱۳۸۲: ۷۳).

از منظر قرآن کریم این عامل حقیقی و اعتقادی کارآمد که بر همه امور تسلط دارد جز وجود خالق هستی بخش نخواهد بود. بطوریکه ارکان سه گانه تمدن یعنی توانایی انسان، زمین به عنوان گهواره تمدن‌ها و ظرف زمان و هرآنچه از ابزارهای کاربردی در تمدن‌سازی کارسازند، همه و همه مخلوق آن خالق‌اند: «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَ جَعَلَ لَكُم فِيهَا سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ». (زخرف/ ۱۰)

چنین است که قرآن این مقام ولایت را متذکر است: «نَحْنُ أُولَیُّاؤُكُمْ فِي الْحَیَوةِ الدُّنْیَا وَفِي الْآخِرَةِ». (فصلت/ ۳۱) ضمناً برخی آیات با صراحت به نقش مستقیم خداوند در امور زندگی و نقش آفرینی قدرت الهی در رونق گرفتن جوامع انسانی و [تمدن‌های بشری] اشاره دارد: «تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» (قدر/ ۳-۴). چنانچه ملائک و روح به اذن پروردگارشان برای [تقدیر] امور [در جوامع بشری] نازل می‌شوند. لذا طبق این آیات تمام امور عالم به اذن خداوند در حرکت یا سکون قرار دارند؛ هر چند به ظاهر در برخی امور فاعل مباشر را انسان یا هر کس دیگری (ملائک یا...) می‌دانیم، لیکن خداوند بر اساس نظام حکیمانه خویش انسان را برای اهداف خاص و ایجاد تمدنی ویژه خلق نموده است.

تصریح قرآن بدین نکته که ایمان به وجود خداوند و استقامت در ایمان، باعث برخورداری [جوامع انسانی از ثمرات مادی و معنوی] است، نقش نگرش توحیدی را در تکوین تمدن‌ها اعلان می‌دارد «وَأَنَّ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا» (جن/۱۶).

خداوند بر اساس نظام حکیمانه خود انسان را برای اهداف خاص از جمله ایجاد تمدن در جامعه خلق کرده است. در همین راستا مقام خلیفه الهی و انسان کامل شدن از حیث ظهور تمام و کمال اسمای الهی، هدفی است که پیامبران به انسان گوشزد می‌کنند: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره/۳۰).

بنابراین گسترش نگرش توحیدی در جهت تقویت تمدن اسلامی در توصیفات قرآنی آنچنان اهمیت یافته است که تحقق ارتقاء فرهنگ توحیدمآبانه به عنوان یک رسالت ذاتی برای بشریت معین شده است.

لذا از عوامل زایش تمدن اسلامی که قادر است گستره مواضع انسانی را از فساد و جهل دور نموده و در مسیر فراگیری بر ساخت تمدن بشری یک جامعه اصلاحی را ترسیم نماید، ایمان توحیدی است؛ چراکه هر تمدنی که بر اساس ایمان به خداوند و توحید برپا نگردد تمدنی فاسد و رو به اضمحلال است (در این زمینه رهبری بیان می‌دارند: جامعه بدون آرمان [بدون مکتب و ایمان] ممکن است به ثروت و قدرت برسد، اما وقتی به قدرت میرسد تازه وارد مرحله حیوانیت شده و یک حیوان سیر و قدرتمند می‌شود. تمدن نوین اسلامی این را نمی‌خواهد. اسلام طرفدار انسانی است که هم برخوردار و هم قدرتمند و هم شاکر و بنده خدا باشد؛ جبهه عبودیت بر خاک بساید. انسان و قدرتمند بودن و بنده خدا و عبد خدا بودن. این چیزی است که اسلام می‌خواهد. می‌خواهد انسان بسازد. الگوی انسان‌سازی، هدف ایجاد تمدن نوین اسلامی است (بیانات در دیدار با جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳). چنانچه قرآن فرمود: «لَوْ كَانَ فِيهِمَا ءَالِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ» (انبیاء/۲۲).

بر همین اساس جوامعی که جزء خداوند معبودان دیگر می‌پرستند سبب فساد زندگی و بدبختی انسان خواهند بود و برعکس تلاش توحیدمداران موجب عمران و شکوفایی تمدن نوین اسلامی خواهد شد.

۲.۴. توجه به ساحت توحیدمداری در زندگی مادی مسلمین

بی‌تردید یکی از مناقشات تمدن پژوهی در بین متفکران این نکته است که در راستای ایجاد یک تمدن کارساز و متعالی آیا توجه به وجوه مادی زندگی در اولویت است و یا وجه معنوی و غیر مادی آن؟

از دیدگاه قرآن اگرچه زندگی مادی و معنوی انسان‌ها پیوسته و تفکیک ناپذیر است لیکن زندگی مادی نیز از منظر قرآن می‌بایست صبغه توحیدی داشته باشد. فرمود: «هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ» (هود/۶۱)

نگاه قرآن به آمیختگی دنیا و آخرت و تبیین این اصل که یکی هدف نزدیک، اما وسیله و ابزار است؛ دیگری نوعی هدف و حیات حقیقی، بیانگر همگامی اصل توحید با آبادانی زندگی است: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ

وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (اعراف/۳۲)

بعلاوه به استناد نگاه توحیدی، تاثیرسنن الهی در سرنوشت جوامع بر اندیشه، باورها و اراده و کنش انسان‌ها و فاعل قریب رخدادها و تحولات زندگی فردی و اجتماعی استوار است. چرا که پدیده‌ها^۱ از جمله تطورات اجتماعی، افزون بر دایره مشیت تکوینی خدا، مشمول روابط علی معلولی بوده و نقش اراده انسانی در پیدایش آنها پذیرفته است. چرا که «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم/۳۹).

لذا جامعه اسلامی اگر بخواهد به وضع مطلوب برسد خود باید دست بکار گردد و با اراده و عمل، راه را طی نماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد/۱۱). نیز می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» (اعراف/۹۶). در این دو آیه وابستگی دگرگونی‌ها از جمله برکات، به ایمان اجتماعی و از آن پس تاثیر عامل الهی روشن است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰۱/۸). در حقیقت جهان‌بینی توحیدی در قرآن، بجهت راهبرد حیات، یک منظومه کلان معرفتی و ارزشی است. بطوریکه با وصل به منبع لایزال، الگویی بینشی و رفتاری را برای جامعه متمدن و مقتدر ارائه می‌نماید.

چنانچه فرمود: «فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ...» (فصلت/۱۵).

بنابراین امت اسلام در راستای حصول عوامل زایش تمدن اسلامی، وامدار نگرشی منسجم و بهم پیوسته از تعالیم توحیدی است. لذا الگوپذیری از قرآن و دقت نظر مسلمانان به توازن حیات مادی و معنوی، پیکره فردی و اجتماعی آنان را در بنیان حیات نوین اجتماعی به استخدام خواهد گرفت.

۳.۴. ضرورت جهت‌گیری امت اسلام بر مدار انسجام آفرینی

بی تردید نقش عنصر وحدت در پیشبرد اهداف تمدنها چشمگیر است. چرا که تاثیر اتحاد بین طبقات اجتماعی در بهره‌مندی از امکانات و تبدیل استعدادها به بالقوه به بالفعل از مظاهر بهره‌وری در جوامع انسانی است. ضمناً تمدن و مدنیت در سایه اجتماع پایبند به قوانین مدنی محقق می‌گردد. ویل دورانت نیز بر عامل وحدت بعنوان عنصر شکل‌دهنده تمدن تصریح دارد (ر. ک: تاریخ تمدن، ۱۳۷۸، ج ۱/۶۶).

قرآن مسلمانان را با متوسل شدن به ریسمان الهی از تفرقه و جدایی پرهیز می‌دارد. همچنین تألیف قلوب و اخوت ایمانی را باعث قوام و دوام وحدت مؤمنان و از نعمات خاص الهی می‌داند که آنان را از خطر هلاکت و سقوط می‌رهاند. خُسْرانی که حجاز قبل اسلام بدان گرفتار بود: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَاصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا» (آل عمران/۱۰۳).

^۱. Phenomenons

همچنین با تصریح بدین مطلب که ملاک وحدت در جامعه تقوی است و نه رنگ و نژاد و زبان؛ بر معیارهای غیر اسلامی خط بطلان کشیده و اجتماع مسلمین را مستعد ائتلاف می نماید. حصول این همگرایی گسست ها را مهار نموده و نظم اجتماعی را در مدار اتحاد تضمین می نماید. چرا که: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ» (حجرات/۱۰). برخی آیات تنازع و اختلاف را مایه سستی و زوال شوکت جامعه اسلامی برشمرده و از آن بر حذر می دارد: «وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (انفال/۴۶). ضمناً تجلی وحدت در جامعه اسلامی و گفتمان^۱ میان امت، موجب اقتدار و عزت مسلمین می گردد؛ به طوری که خاستگاه تمدن نوین اسلامی به میزان وحدت و ضریب اقتدار بستگی دارد.

به علاوه اندیشمندان حوزه قرآنی ضمن بررسی علل اجتماعی بروز تمدن ها، به تاثیر اقتدار و یا فقدان آن در سیر تحولات تمدن اسلامی پرداخته اند. چرا که: «أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ ءَاثَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَ مَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ» (غافر/۲۱). مفسران در ذیل این آیات بدنبال تبیین این موضوع هستند که قدرت، ثروت و شوکت به تنهایی عامل تداوم تمدن ها نیست. چون به استناد برخی آیات، چه بسیار تمدن ها که از جهات مادی قوی بودند، لیکن بعلت اختلافات درونی، این اقتدار ظاهری مانع نابودی آنان نشد. در حقیقت پیوند این آیات با مسائل و مشکلات اجتماعی اهمیت گفتمان اتحاد را در شکوفایی تمدن نوین اسلامی تشریح نموده و از اختلافات نهی می کند. می فرماید: «وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (انفال/۴۶). آورده اند: اختلاف و تنازع موجب ضعف مردم و از بین رفتن اعتماد می گردد و در نتیجه موجب از بین رفتن شوکت اسلام و تمدن اسلامی می گردد (طیب، ۱۳۷۸: ۱۳۵/۶). از منظر پیامبر (ص) اختلاف و تفرقه موجب پیروزی باطل بر حق می گردد «مَا اخْتَلَفَ أُمَّةٌ بَعْدَ نَبِيِّهَا إِلَّا ظَهَرَ بَاطِلُهَا عَلَى حَقِّهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۰/۷۴).

آیات دیگری نیز که به تجربه امت های پیشین اشاره می کنند و عبرت آموزی از اختلافات گذشتگان را سفارش می کنند: «وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَ اخْتَلَفُوا» (آل عمران/۱۰۵).

خداوند در جهت پایداری جوامع انسانی و ثبات [تمدن نوین اسلامی] به مسلمانان توصیه می کند که تن به جناح بندی و حمایت کورکورانه از احزاب خودتان ندهید. دین خود را بخش بخش نکنید؛ در حالیکه هر گروهی به آنچه [از قسمتی از دین] نزد آنان است شادمانند. فرمود: «مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ» (روم/۳۲). البته نباید فراموش کرد که مقصود از وحدت، صرفاً اتحاد میان مردم نیست؛ بلکه اتحاد مسلمین و حاکمان اسلامی، آهنگ رو به رشد تمدن نوین اسلامی است. چنانچه امام علی (ع) ۶۲ بدین اصل تاکید فرموده اند (ر.ک: خطبه ۱۹۲؛ نامه ۶۲).

^۱. Discourse

قرآن در برخی آیات مربوط به قصص الانبیاء بیان می‌نماید که وحدت و فقدان آن در میان انبیاء و مردم، در پیدایش و شکوفایی تمدن‌ها و یا در نابودی آنها تاثیر گذار بوده است. می‌فرماید: «كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ نُوحٌ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَأَنْتَصِرْ» (قمر: ۹-۱۰).

واضح است که تکذیب شدن حضرت نوح(ع) توسط قوم خویش، عامل شکست ایشان در امر تبلیغ دین شده و در نتیجه این عدم اطاعت، نوح(ع) امت خویش را نفرین و عذاب خداوند باعث نابودی آنان شد.

۴.۴. ضرورت حصول امید آفرینی در جامعه اسلامی

یکی از عوامل زایش در ایجاد تمدن اسلامی تغییر نگرش مردم به زندگی و امیدوار کردن آنها به آینده بوده است. در همین راستا بسیاری از آیات به شکل مستقیم و یا غیرمستقیم بر لزوم افزایش امید در زندگی دلالت دارند.

برای نمونه برخی از آیات ناظر به شمول و گسترده‌گی رحمت الهی بر همه بندگان هستند. می‌فرماید: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا» (زمر/ ۵۳) و فرمود: «قَالَ هَلْ ءَامَنْتُمْ عَلَيَّ إِلَّا كَمَا ءَامَنْتُمْ عَلَىٰ أَخِيهِ مِنْ قَبْلُ فَاللَّهُ خَيْرٌ حَفَظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (یوسف/ ۶۴). همچنین در سوره حجر می‌فرماید: «قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ» (حجر/ ۵۶). در سوره مؤمنون نیز آمده است: «وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ» (مؤمنون/ ۱۱۸).

بی تردید آیاتی که دال بر غفران الهی نسبت به گناهان می‌باشند؛ (در این باره، ر.ک: نساء/ ۱۰۶، نور/ ۶۲، محمد/ ۱۹، ممتحنه/ ۱۲)؛ آیات مربوط به قیامت و پاداش دادن نیکوکاران؛ (در این باره، ر.ک: یس/ ۵۴، کهف/ ۸۸، فرقان/ ۱۴، احقاف/ ۱۴) آیات مربوط به جزا دادن گناهکاران؛ (در این باره، ر.ک: انعام/ ۹۳، یوسف/ ۵۲، نمل/ ۹۰)؛ آیات ناظر به پشتیبانی و حمایت خداوند از متقین در دنیا و آخرت؛ (در این باره، ر.ک: غافر/ ۱۷، بقره/ ۴۸، لقمان/ ۱۳۳) و همچنین آیاتی که بر چند برابر شدن ارزش کار نیکوکاران اشاره دارند؛ (ر.ک: حدید/ ۱۸، انعام/ ۶۰) جملگی حکایت از امید بخشی به مردم نسبت به احساس تکلیف برای آینده بشری است. بطوریکه این گونه از آیات می‌کوشند تا حس امید به زندگی را در جوامع انسانی تقویت کنند و با ایجاد نگرش مطلوب و افزایش اعتماد به نفس، موجب تقویت روحیه انسان‌ها گردند. بی شک این توازی تلاش مسلمانان را در خیرات و صدقات، نوع دوستی، دوری از ظلم و فزونی داده و با مسئولیت شناسی و تکلیف پذیری، امت اسلامی را در مسیر شکوفایی تمدن اسلامی از وضعیت موجود به جامعه مطلوب دینی هدایت می‌نماید.

۵.۴. تلاش در راستای نهادینه بودن نگرش بر مبنای اتکاء بر علم اندوزی

توجه به حوزه علم اندوزی همزاد و همزمان با تاریخ پیدایش انسان‌هاست؛ به طوری که جوامع بشری همواره در صدد بوده‌اند تا در عرصه علم و آگاهی دستاوردهای ارزشمندی را تحصیل نمایند. به ویژه امروزه با توجه به شکوفایی عرصه‌های فن آوری و تکنولوژی، آن دسته از جوامع انسانی که از مدار دانش افزایی و توانمندسازی علمی بدور باشند، به استعدادهای ذاتی خویش آگاهی نیافته و به توانمندی‌های بالفعل نائل نخواهند شد.

البته روشن است که جهت گیری های کلان و الویت های اساسی جوامع را دست اندرکاران و حاکمان تعیین می کنند. اگر آنان برای تحقیق و تولید فکر و اندیشه و اصولاً مباحث علمی و فرهنگی، ارزش قائل گردند و فضای مناسب برای طرح و ارائه افکار و اندیشه های متنوع فراهم آورند، اندیشه سازان و متفکران و هنرمندان با شوق و علاقه و بدون دغدغه از عواقب فکرشان به خلق اندیشه و آثار علمی و هنری می پردازند (ر.ک. جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸).

لیکن در این بین آموزه های قرآن با ارائه ده ها آیه در بیان اهمیت علم و نیز با اشاره به مذمت جهل و آثار ناشی از جهالت، در صدد است تا راهکار لازم را در سازندگان تمدن نوین اسلامی ایجاد نموده و بدین وسیله آنان را در عرصه سازندگی و بالندگی کمک نمایند. این ارزش گذاری به مقام شامخ علم و عالم تا بدان جاست که از منظر قرآن، عالمان جامعه در ردیف ملائکه قرار گرفته اند. می فرماید: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ...» (آل عمران/ ۱۸)

نیز در توبیخ نادانان می فرماید: «...قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر/ ۹). به تاکید قرآن علم آموزی موجب رفعت درجات جوامع انسانی شده و جایگاه [تمدنهای بشری] را ارتقاء می بخشد. چنانچه می فرماید: «...يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (مجادله/ ۱۱). ضمناً به بیان قرآن هدف انبیاء در تمدن های پیشین زدودن جهالت از بین مردمان بوده است. فرمود: «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (بقره/ ۱۵۱). نیز در آل عمران ملاحظه می گردد: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (آل عمران/ ۱۶۴).

باید توجه نمود که از منظر قرآن دستیابی به علم و دانش و [حتی] دعای مردم برای طلب علم [بعنوان مؤلفه موثر در زایش تمدن های بشری] مورد سفارش بوده است. می فرماید: «...وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه/ ۱۱۴). به علاوه از دیدگاه قرآن شرط مدیریت [در پیشبرد اهداف جامعه] و زمامداری انبیاء [و حاکمان] مزین بودن آنان به ساحت علم و دانش است. [از زبان حضرت یوسف] می فرماید: «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف/ ۵۵). و در سوره بقره از زبان پیامبر الهی [درباره خصوصیت زمامداری طالوت] می فرماید: «... إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ...» (بقره/ ۲۴۷).

در منطق قرآن علم و معرفت افزایی نتایج فراوانی برای توسعه یک تمدن بشری به ارمغان خواهد آورد. چرا که رعایت این رکن اصلی دلیل تشخیص ارزش های برتر در زندگی (در این باره، ر.ک: نحل/ ۹۵؛ قصص/ ۸۰؛ عنکبوت/ ۶۴؛ صف/ ۱۱) عامل خضوع و خشوع در برابر حق و پذیرش آن (ر.ک: اسراء/ ۱۰۷؛ حج/ ۵۴) موجب مصونیت از مصائب و زمینه ساز رفاه و آسایش در تمدن ها (ر.ک: اعراف/ ۱۸۸) و بالاخره نشانه شایستگی حکومتگران است. (ر.ک: بقره/ ۲۴۶-۲۴۷)

۶.۴. تقویت الزامات تحقق اخلاق اسلامی در اضلاع اجتماعی

پایبندی به فضیلت‌های والا و ارزش‌های اخلاقی انسان ساز از ویژگی‌های مطلوب قرآن به جهت معرفی یک جامعه متمدن می‌باشد^۱. بطوریکه آیات الهی در بیان خصائص فردی و اجتماعی جوامع بشری افزون بر مسائلی نظیر ایمان به خدا و انبیاء، جایگاه ویژه برای اخلاق محوری و مصادیق آن مانند نوع دوستی، صداقت، وفای به عهد، صبر و شکیبایی و نظایر آن باز گو می‌نماید.

چنانچه فرمود: «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَ الْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ الْمُؤْفُونَ بَعْدَهُمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» (بقره/۱۷۷).

البته از منظر قرآن، فلسفه اخلاق مداری در جامعه و نماد آن در امور روزمره خاستگاهی الهی و توحیدی داشته و این مبانی در مفهوم تقرب به خدا، معنابخش حقیقت تمدن‌ها خواهد بود. چراکه در نظام ارزشی قرآن، مبدا و مقصد کمالات، خداوند است؛ در نتیجه رجوع به فطرت پاک انسانی بدان جهت که بر ارزش‌های الهی بنیان دارد، پیوسته باعث تکوین جوامع انسانی خواهد بود. چراکه غایت اخلاق مداری همچون دین محوری، عامل دگرگونی وجود آدمی از وضع موجود به مطلوب است؛ بنابراین مقصد فضائل اخلاقی پس از جلب رضای الهی، تعمیق نظم اجتماعی و توسعه سازندگی است.

لذا مکتب وحی در جریان تمدن‌سازی جوامع انسانی از انسان انتظار دارد که وجودی آسمانی و مظهر اوصاف الهی گردد. مثلاً قرآن پس از هشدار به انسان درباره رعایت اعتدال در دنیاخواهی و آخرت طلبی فرموده: «وَ أَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَ لَا تَبْغِ الْفِسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ» (قصص/۱۷). همچنین با مزین نمودن انسان به صفاتی چون انفاق و مهرورزی بر تهی‌دستان، در صدد است اختلافات اجتماعی را کاسته و جوامع بشری را بیش از گذشته مستعد تعاون و همکاری [که از عناصر زایش تمدن اسلامی است] نماید. چنانچه این رفتار را باز می‌نماید: «وَ أَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره/۱۹۵).

در نگرش قرآن صفات اخلاقی مانند عفو و گذشت، مهرورزی و مودت، صبر و پایداری، عفت و شرافت و نیک‌ورزی اموری گذرا و موقت نبوده، بلکه ضمن تصریح بر هویت انسانی و فطرت توحیدی او [که هرگز دگرگونی ندارد] باعث قوام و دوام اجتماعی نیز می‌گردد. چرا که ارزش‌های مبتنی بر فطرت پاک انسان‌ها هرگز نابودی ندارد و جامعه

۱. مقام معظم رهبری می‌فرماید: اخلاق آن هوای لطیفی است که در جامعه بشری اگر باشد، انسانها با تنفس آن زندگی سالمی خواهند داشت. (سخنرانی در عید

متکی بدین ارزش‌ها پایدار خواهد بود. بنابراین سازندگی و توسعه مدنی با تأسی به ارزش‌های فطری زوال ندارد و این اصل از وعده‌ها و سنن تخلف ناپذیر الهی است: «فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ» (روم/۳۰). بنابراین پیامبران الهی مدام بر رفع امراض نفس تأکید داشته‌اند. چراکه در صدد بودند با احیای صفات الهی در بین جوامع، آنان را از غرق شدن در تباهی برهانند: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْهَا. وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّيْهَا» (شمس/۹-۱۰). در واقع پروردگار بوسیله بعثت پیامبران اراده نمود تا در جان آدمیان رستاخیزی نو بیافریند و زنجیرهای درون را از ایشان باز نموده و [تمدن‌ها] را از اسارت پیدا و پنهان‌رهایی بخشد: «يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (اعراف/۱۵۷).

در حقیقت اخلاق رکن انفکاک ناپذیر از تمدن اسلامی است و عامل ثبات آن به شمار می‌رود. هیچ مصلحت‌اندیشی در تمدن اسلامی مانند آبادانی زمین، توسعه و تکنولوژی و ... نمی‌تواند مانع رعایت اخلاق اسلامی در جوامع مسلمین گردد. چراکه زیربنای تمدن توحیدی چیزی جز اخلاق‌مداری در ارتباطات و مناسبات انسانی نیست. برعکس پیوسته فساد اجتماعی، تجمل‌گرایی، خودکامگی و استبداد، نیاززدگی، زور و تزویر و ... مستقیم و یا غیر مستقیم در فروپاشی تمدن‌ها موثرند.

چنانچه جرجی زیدان در کتاب معروف خود با عنوان تاریخ تمدن اسلام در ذیل علل پیشرفت اسلام می‌نویسد: «چه کسی می‌تواند منکر تاثیر دادگستری و پرهیزگاری و خوش رفتاری مسلمانان باشد؟ از اینرو نمی‌توان گفت که پیشرفت تمدن اسلامی و تاثیر غلبه آن بر دیگر تمدن‌های آن روزگار، بر اثر قهر و جنگ بوده است. نگاهی اجمالی به نقشه جهان اسلام این واقعیت را تایید می‌کند؛ زیرا انتشار اسلام به مناطقی چون چین، مغولستان، اندونزی، جزایر فیلیپین، ماداگاسکار، زنگبار، موزامبیک، نیجریه و کنگو محصول فتوحات اسلام نیست؛ چراکه فاتحان اسلام در هیچ عصری هرگز بدین مناطق نرسیده‌اند» (زیدان، ۱۳۶۹: ۴۳).

۷.۴. اتکاء همه جانبه بر بینش عدالت محورانه

در آموزه‌های پیشوایان دینی، عدالت اهمیت بسزایی در رشد و پویایی و نیز دوام و پایایی جوامع انسانی دارد. پیامبر(ص) در کلامی فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَقْدَسُ أُمَّةٌ لَا يُعْطِفُونَ الضَّعِيفَ مِنْهُمْ حَقَّهُ» (نهج الفصاحه، ۱۳۶۱: ۳۰۰۱). به استناد این بیان نبوی(ص) امت [وحکومتی] که حق ضعیفان را پایمال کند، [روی توسعه را نخواهد دید] و هرگز سعادت‌مند نخواهد بود.

قرآن نیز عدالت محوری را در زمره ارزش‌های والا و برقراری آن را از حکمت‌های مهم بعثت پیامبران الهی و نزول کتاب‌های آسمانی می‌شمارد. چنانچه می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/۲۵).

از منظر قرآن فقدان عدل و داد سبب زوال و افول جوامع می‌گردد: «وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ» (انبیاء/۱۱). همچنین آیه: «وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ» (هود/۱۰۲). در این راستاست. گسترش عدالت در حکومت‌های اسلامی و نقش آن در ایجاد توازن مدنی چنان مهم است که پیامبر(ص) خود را مامور برقراری عدالت می‌داند: «وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُم» (شوری/۱۵).

رسول الله(ص) در ضرورت گستره عدل و دادورزی در ابعاد اجتماعی فرمودند: «من عامل الناس فلم يظلمهم وحدثهم فلم يكذبهم ووعدهم فلم يخلفهم فهو ممن كملت مروءته وظهرت عدالته ووجبت أخوته وحرمت غيبته» (صدوق، ۱۴۰۳/۲۰۸). هر کس در داد و ستد با مردم، ستم روا ندارد و در گفتار با آنان دروغ نگوید و در وعده‌هایش مخالفت نکند، از جوانمردان کامل است؛ عدالتش آشکار و برادری با او واجب و بدگویی درباره وی حرام است.

بنابراین تلاش در جهت اجرای عدالت و تامین حقوق همه مردم بر اساس شایستگی‌ها، بهره‌مندی از نظام عدل و قسط و پرهیز از ظلم و تعدی از بایسته‌های تمدن اسلامی و از عوامل شکوفایی جامعه اسلامی به شمار می‌رود.

۵. عناصر ساختاری موثر در زایش تمدن اسلامی

۵.۱. ضرورت تامین عزت ملی در ابعاد حکمرانی اسلامی

در فرهنگ قرآن، جلوه‌گر نمودن اقتدار امت اسلامی و برخورداری شدن مسلمین از تمکن مادی در جهت تامین عزتمندی و حفظ منافع مشترک^۱ از بایسته‌های مسلم تمدن نوین اسلامی است. چراکه وابستگی به دیگران، در حوزه‌های متنوع اقتصادی، صنعت و... زمینه‌ساز وابستگی‌های فکری و فرهنگی جوامع اسلامی شده و موجب استیلای ارزش‌های فرهنگی بیگانگان بر مسلمانان می‌گردد.

لذا قرآن با صراحت نسبت بدین مساله موضع‌گیری نموده و به تعبیری اصل عزت را به عنوان یک اصل راهبردی معرفی نموده است. چراکه از دیدگاه قرآن پیشرفت همه جانبه و الگو بودن تمدن نوین اسلامی زمانی محقق خواهد شد که امت اسلامی در همه جهات دارای سرافرازی و برتری باشد. پس فرمود: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون/۸).

به علاوه برمسلمانان واجب است که [در مسیر تقویت تمدن نوین اسلامی] وابسته به بیگانگان نباشند و هیچگاه سلطه طلبی آنان را نپذیرند. بطوریکه قرآن اصل نفی سلطه را مطرح نموده است: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء/۱۴۱). در ادامه این اصل می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ».

در تبیین حفظ روحیه استکبارستیزی و تقویت روحیه عزت طلبانه آیاتی چون «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ» (مائده/۵۱). بیانگر این نکته است که دوستی با سایر دولت‌های غیرمسلمان [البته در صورتی که عزت و اقتدار جوامع اسلامی را در صحنه سیاست جهانی مخدوش نماید] به تقویت تمدن اسلامی نمی‌انجامد.

^۱. Common Interests

قرآن در بیان روشن هشدار می دهد که یهود و نصارا جز به پیروی مسلمانان از آیین آنان راضی نمی شوند: «وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ» (بقره/۱۲۰).

پس دوستی با استکبار و ایادی آنان و نیز ایجاد روابط بدون رعایت مبادی دیپلماتیک^۱، چنانچه به روح عزتمندی و اقتدار جامعه اسلامی آسیب برساند مذموم است. تاریخ سیاسی نشان می دهد که بحران های بنیادین^۲ در اثر نفوذ مستکبرانه غرب، منطقه خاورمیانه^۳ را به کانون چالش ها تبدیل نموده است. بنابراین سیاستمداران اسلامی در روابط بین الملل^۴ بیش از گذشته مکلف اند تا راه های نفوذ را بر بیگانه و سلطه غرب ببندند و با اتکاء به دستاوردهای اقتصادی، صنعتی و نظامی ممالک اسلامی در صیانت از تمدن نوین اسلامی گام بردارند.

۲.۵. تقویت ساختار حکومت دینی بدست شایستگان امت اسلام

افزون بر پابندی امت به قوانین الهی، دقت نظر رهبران جوامع بدین مبادی، نقش تعیین کننده در آهنگ کلی حرکت و یا افول و انحطاط تمدن های انسانی دارد. لذا قرآن به ضرورت مدیریت صالحان به جهت توسعه و تعالی امت اسلامی و رشد تمدن اسلام تصریح نموده است.

برخی آیات با تبیین حکمت بعثت انبیاء و نزول کتب آسمانی: «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ» (نساء/۱۰۵)؛ مدیریت جامعه را بر اساس آموزه های الهی از راهبرد های اصیل قرآن معرفی می نماید.

این موضوع چنان دارای اهمیت است که قرآن شرایط رهبر جامعه ایمانی را چنین بیان می دارد: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ* وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (مائده/۵۵-۵۶).

وگویی شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند؛ همان کسانی که نماز برپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند.

بدین استناد قرآنی و با این نوع از معرفی می توان گفت که بهترین معرفی آن است که اوصاف و خصوصیات کسی گفته شود و مخاطبان خودشان مصداق آن را پیدا کنند (قرائتی، ۱۳۸۸: ۳۱۹/۲). از منظر قرآنی چنین رهبرانی با عنوان مدیر و پیشوای جامعه اسلامی مطرح شده که در تعبیر قرآن و دین از آن با عنوان «امام» یاد می گردد.

برعکس یقینا پیشوای کج اندیش و کج رو نمی تواند بستر رشد، تکامل و سعادت تمدن اسلامی را فراهم نماید. رهبر امت اسلامی باید از آگاهی علمی و فضائل ایمانی و اخلاقی کافی برخوردار باشد تا بتواند جامعه اسلامی را به سوی کمالات سوق دهد. لذا خداوند [در پاسخ به سوال حضرت ابراهیم (ع)] فرمود: «وَإِذَا ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره/۱۲۴).

^۱. Diplomatic

^۲. Fundamental Crisis

^۳. Middle -East

^۴. International Relation

اینکه تنها فرزندان پاک ابراهیم(ع) شایستگی مقام اداره جامعه و امامت امت را دارند، نه صرفاً یک تذکر لسانی، بلکه تبیین خط مشی راهبردی در یک جامعه متمدن[اسلامی] و توحیدی است.

در بیان اهمیت موضوع، قرآن ضمن معرفی خصوصیات رهبران برای رساندن جوامع اسلامی به اهداف مطلوب، امامان و حکمرانانی را می‌ستاید که هنگام رسیدن به قدرت حکومت، اعمالی چون نماز و زکات و امر به معروف و نهی از منکر را [بعنوان تجسم ارزش‌های الهی در زمین] احیاء می‌کنند: «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ» (حج/۴۱). این نکته از منظر قرآن آنچنان بنیادین است که [در راستای تقویت تمدن نوین اسلامی] صراحتاً به فقدان رهبران شایسته و خیراندیش در جامعه هشدار می‌دهد: «فَلَوْ لَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ» (هود/۱۱۶). با این اوصاف ایجاد تمدن الگو بدست حکمرانان شایسته، از الزامات ممالک اسلامی بوده و به برکت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، سیمای تمدن اسلامی بیش از گذشته در جهان اسلام تجلی یافته است.

۳.۵. اتخاذ راهبردهای لازم در توسعه امنیت همه جانبه

حصول امنیت در جامعه و تامین ایمنی جان و آبروی مردم از هرگونه آسیب و زیان در زمره نخستین رسالت‌های جامعه‌ای متمدن و در حال توسعه است. همچنین ضرورت حفظ کرامت انسانی، صیانت از حریم اسلام، لزوم بهره‌مندی از منابع طبیعی و ده‌ها دلیل دیگر سرنوشت تمدن اسلامی را بیش از سایرین با مقوله امنیت گره زده است. بطوریکه قرآن وجود امنیت و ثبات اجتماعی و نبود ترس و وحشت را از شاخص‌های جامعه مطلوب و از نعمت‌های الهی می‌داند: «الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ» (قریش/۴).

حضرت امیرالمؤمنین(ع) در سخنی ارزشمند فرمودند: «شَرُّ الْأَوْطَانِ مَا لَمْ يَأْمَنْ فِيهِ الْقُطَّانُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۴۷)؛ در کلام ایشان بدترین سرزمین‌ها برای سکونت، جایی است که ساکنانش امنیت نداشته باشند.

بر اساس تمثیل قرآنی در بیان یک جامعه الگو، استقرار امنیت و آرامش همگانی، نشانه‌ای آشکار برای بلوغ و کمال مدنی جامعه به شمار می‌رود و در مقابل، زوال و سلب امنیت، نشانه سراشیبی و سقوط تمدن آنهاست:

«وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (نحل/۱۱۲).

همچنین هنگام یادآوری نعمت‌های فراوان قوم سبأ [به عنوان جامعه دارای تمدن در شبه جزیره عربستان]، پس از بیان عمران و آبادی سرزمین آنان، به ویژگی برتر این قوم در بهره‌مندی از امنیت کامل در شب و روز اشاره می‌کند:

«وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَشَ بَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا آمِنِينَ» (سبأ/۱۸). دعای مرضی ابراهیم خلیل الله(ع) در سرزمین سوزان و لم یزرع مکه و پیشی دادن به امنیت نسبت به سایر نیازها، بیانگر این

است که امنیت و آرامش، پیش شرط هر گونه آبادانی و پیشرفت مادی و معنوی در جامعه است: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ» (بقره/۱۲۶).

این پیامبر الهی در دعای خود اصلی ترین نیاز اجتماع را مدنظر قرار می دهد و پیش از هر تقاضای دیگری، [برای امت] درخواست امنیت می کند. چرا که تحقق راهبردها و راهکارهای خرد و کلان در برخورداری از زندگی مطلوب، بدون امنیت ناممکن است و اصولاً تمدن هایی که نعمت امنیت را از دست دهند، سایر نعمت ها را نیز از دست خواهند داد. لذا ضرورت امنیت اجتماعی با ابعاد و افق گسترده ای که دارد بر هیچ شخص و مکتبی پوشیده نیست.

۴.۵. لزوم تقویت منابع مالی و بن مایه های سرمایه ای

پیشتر گذشت که حیات مطلوب ایمانی، جنبه های گوناگون وجود انسان را بطور متوازن در نظر داشته و در پی تامین خاستگاه های وجود مادی و معنوی انسان بصورت واقع بینانه است. بطوریکه زندگی آخرتی انسان مؤمن، از دل زندگی دنیایی او شکل گرفته و حیات معنوی وی در متن زندگی مادی ساخته می شود. بر همین اساس تلاش در راستای تحقق عزت ملی و روحیه استقلال طلبانه و ضرورت خود اتکایی زمینه سازی تقویت بن مایه های اقتصادی امری الهی و تمدن سازانه خواهد بود.

لذا می فرماید: «وَلَا تَتَسَنَّصِيكَ مِنَ الدُّنْيَا» (قصص/۷۷).

از همین رو بهره مندی از ظرفیت های اقتصادی در جهت نهادینه نمودن عزت و استقلال همه جانبه مؤمنان امری قطعی و ضروری است. بطوریکه دارایی های طبیعی و سرمایه های بازرگانی لازمه یک جامعه مطلوب و تمدن ساز می باشد. البته روشن است که در ساحت تربیت معرفتی و ساختار نظامند مستخرج از آیات الهی، همه ارکان یک جامعه اسلامی و در رأس آن حتی ابعاد اقتصادی هم می بایست جنس و رنگ توحیدی را داشته باشد. چنانچه دارا بودن توان اقتصادی حکمرانان از صفات بارز و مومنانه امت اسلام محسوب می گردد.

بنابراین بی تردید استقلال مالی با بهره مندی از منابع طبیعی و عدم وابستگی مسلمانان به بیگانگان ساختار مورد سفارش قرآن می باشد. چنانچه فرمود: «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ» (اعراف/۱۰).

در نتیجه مسلمانان مکلف اند در مسیر توسعه تمدن اسلامی از امور دنیوی و توسعه حوزه اقتصاد کشورهای اسلامی غافل نگردند. اهمیت این نکته زمانی افزون می گردد که تقویت بهره مندی از امکانات ملی با مولفه هایی چون تولید، اشتغال و .. منجر به تبدیل استعدادهای بالقوه بلاد اسلامی به بالفعل شود. اصلی که عمران و پیشرفت را به ارمغان خواهد آورد.

چنانچه می فرماید: «هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود/۶۱).

در حقیقت قرآن با یادکرد نیک و با نگاهی ارزشمند، از امت‌های دارای تمدن پیشین نام می‌برد؛ آنانکه برخوردار از تمکن بودند، همه چیز [امکانات] داشتند. پس خداوند سرزمین آنان [و جامعه آنان] را پاک و پاکیزه می‌خواند: «لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَ شِمَالٍ كُلُّوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَ اشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَ رَبُّ غَفُورٌ» (سبأ/۱۵). البته در تربیت ایمانی قرآن این توجه به شکوفایی اقتصادی دارای صبغه توحیدی بوده: «نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ اِيَّاَهُمْ» (انعام/۱۵۱) و هر فعالیت اقتصادی در گرو بایسته‌هایی چون ابزاری بودن (ر.ک: آل عمران/۱۴)؛ مشروعیت (ر.ک: نساء/۲۹) و عدالت (ر.ک: حشر/۷) به روابط سالم پولی منجر می‌شود. با رعایت این موازن، فعالیت‌های اقتصادی در اسلام برخلاف روابط بی ضابطه در جوامع سرمایه داری، باعث توسعه متوازن و سازندگی می‌گردد.

۵.۵. توجه به ارتقاء فنون و توسعه صنعتی

صنعت و فن‌آوری در برتری و کمال تمدن بشری جایگاهی ویژه دارد. چراکه توسعه صنعت خاستگاه و عامل تفوق اقتصادی، نظامی، سیاسی و فرهنگی جوامع انسانی است. بنابراین نباید ممالک اسلامی نیز از این اصل مهم تمدن‌ساز غفلت نمایند.

در نگاه دینی، همه پدیده‌های جهان هستی و نعمتهای آشکار و پنهان الهی در تسخیر انسان قرار دارد. تا با کاوش علمی در آنها و بکار بستن عقل و اندیشه به صنعت و فن‌آوری دست یابد و بتواند از این منابع خدادادی در جهت شکوفایی تمدن خویش بهره جوید: «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَّا فِي الْأَرْضِ وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً» (لقمان/۲۰).

قرآن نیز با بیان شفاف و طرح الگوهای تاریخی در بین پیشینیان و به ویژه با اشاره به قصص الانبیاء، بی‌اعتنایی جوامع توحیدی را بدین واقعیت اجتناب ناپذیر باعث خسران و عقب ماندگی می‌داند.

آیات الهی با بیان داستان مصلحان و خداجویان، [مثل ذوالقرنین] به توانمندی بالای او در زمین و بهره‌مندی از ابزارهای طبیعت در سدسازی [که از مصادیق تمدن‌های گذشته است] اشاره می‌نماید: «إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَ آتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا» (کهف/۸۴).

به علاوه قرآن با یادآوری اشتغال حضرت داوود (ع) به حرفه زره‌بافی، تلاش دارد سایر تمدن‌های بشری را با نقش‌آفرینی فنون و صنایع آشنا نموده، آنها را به توسعه فن‌آوران و دانش بنیان ترغیب نماید و کارآیی اهل حرف را در تقویت عناصر تمدن ساز مورد تاکید قرار دهد. چنانچه فرمود: «وَ عَلَّمْنَاهُ صِنْعَهُ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِيُخَصِّنْكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ» (انبیاء/۸۰).

ضمناً اهتمام حضرت نوح (ع) به گردآوری ابزار و شیوه‌ها و گردآوری اطلاعات روز در جهت صنعت کشتی‌سازی، فن‌آوری ایشان را به یکی از الگوهای مصرح قرآن تبدیل نموده است: «وَ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَ وَحِينَا وَ لَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ».

بی تردید پیشرفت در صنایع تولیدی، توسعه شرکتهای دانش بنیان، ایجاد مراکز تولیدی و... خود کفایی امت اسلامی را در عرصه روابط بین الملل رقم خواهد زد. ضمناً این دستاورد مهم به عزتمندی امت اسلامی خواهد انجامید و سرانجام استحکام تمدن اسلامی در سایه رشد فن آورانه و توسعه تکنولوژی به منصف ظهور خواهد رسید.

۶.۵. لزوم تحکیم ساختار دفاعی و تجهیزات نظامی مسلمین

در اثر مناسبات نظام های سیاسی و همچنین تمایلات سودجویانه غریبان همچون نژادپرستی، برتری جویی، استثمار منابع ملتها و... متاسفانه جنگ افروزی در طول تاریخ، از روش های لاینفک قلدردمآبان و ستیزه جویان می باشد. از سویی دیگر منازعه و مبارزه باطل گرایان با حق مداران در حیات اجتماعی امری اجتناب ناپذیر است.

لیکن از آنجاکه مکتب حیات بخش اسلام برای بنای جامعه ای صالح و پیشرفته می بایست با تدابیر مستحکم، در برخورد با معاندان و زیاده طلبی طاغوت ثبات قدم نماید، لذا ارتقاء توانمندی امت اسلام در ابعاد دفاعی و گسترش تجهیزات نظامی از واجبات شرعی و مورد تاکید اسلام است.

بنابراین قرآن به موضوع قدرت دفاعی و توان نظامی جامعه اسلامی در پاسخ قاطع و سریع در برابر هجمه های بیگانگان توجه ویژه داشته و آن را بعنوان عامل اقتدار تمدن اسلامی از صدر اسلام مورد توصیه قرار داده است.

تا جایی که برای پیشگیری از صدمات احتمالی و مصونیت بخشی به جامعه اسلامی در برابر دشمنان، مسلمانان را از سستی و کاهلی پرهیز نموده و دستور آمادگی همه جانبه در بعد نظامی و دفاعی را داده است: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطٍ تَرْهَبُونَ بِهٖ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (انفال/۶۰).

در آیه ای دیگر مسلمانان را به حفظ آمادگی نظامی در برابر دشمنان دین [که تلاش در جهت ضربه زدن به زیرساخت های تمدن اسلامی دارند] دعوت می کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ» (نساء/۷۱).

اساساً آموزه های تمدن ساز قرآن بارها امت اسلامی را خطاب قرار داده و از آنان می خواهد به گونه ای رفتار کنند که اسلام ستیزان، صلابت و پایداری و استواری مسلمانان [و اقتدار و توسعه تمدن اسلامی را] دریابند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً» (توبه/۱۲۳).

در این میان وعده های الهی و نصرت خداوند در جبهه ها خود تقویت حداکثری مسلمین را بدنبال دارد. بنابراین قرآن با توجه به لزوم آمادگی روانی و معنوی جبهه اسلام، رزمندگان را به امدادهای غیبی که [در میادین حق علیه باطل] همراه مؤمنان شکیب و متقی خواهد بود، وعده می دهد: «وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا» (آل عمران/۱۲۰). چراکه جهاد و دفاع قانونمند در راه خدا از ارزشمندترین تلاشهای یکتاپرستان برای حفظ کیان فرهنگی و اعتقادی آنان به شمار می رود. لذا می فرماید: «أُذِّنُ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأَنَّهُمْ ظُلُمُوا وَأَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج/۳۹).

به استناد این آیات، جوامع مسلمانان که از سوی سلطه طلبان به جنگ وادار شده اند، نه تنها برای جهاد و دفاع از حریم تمدن اسلامی اجازه دارند، بلکه کارزار با دشمنان اسلام جزء تکالیف بزرگ الهی است. با این اوصاف توانمندی

دفاعی مسلمین فراهم کننده مؤلفه‌های زندگی قدرتمند، توأم با تأمین امنیت برای امت اسلامی است. بایسته‌هایی که موجب اعتلای تمدن نوین اسلامی می‌گردد.

نتیجه گیری

قرآن کریم با رویکردی همه جانبه به جایگاه انسان در نظام هستی، ضمن تصریح بر ضرورت پیشرفت مقبول جوامع انسانی، طرحی نو افکنده و با ارائه مولفه‌های تمدن ساز، سیمای پیدایی، پویایی و پایایی تمدن نوین اسلامی را ارائه نموده است. طرح معیارهای متمایز از تمدنهای غیر اسلامی که به مثابه پیشران مکتوم و یا مصرّح، ضمن تضمین برتری جوامع اسلامی، آنان را در مظاهر مادی و معنوی به بالندگی رسانده است.

نکته اساسی در تحلیل و ارزیابی این ملاک‌ها آن است که هرچند در نگرش قرآنی ابعاد معنوی و مظاهر مادی توأمان جزء مبادی متقن توسعه یک جامعه اسلامی هستند، لیکن فضائل والای انسانی با اتکای به ارزش‌های شکست‌ناپذیر فطری، به مثابه نمادهای جهت‌دار قادرند همسویی و توازن بین این دو حوزه را برای ترسیم یک جامعه مطلوب معنا بخشند. جامعه‌ای متمدن که به برکت منظومه ایدئولوژی قرآن، توانسته است برخلاف سایر مکاتب پیکره خویش را از برتری جویی و خودکامگی‌های امروزی برهاند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن عاشور، محمد طاهر، (بی تا)، التحرير و التنوير، بيروت، مؤسسه التاريخ العربی.
۳. ابن فارس بن زکریا، احمد، (بی تا)، معجم مقاییس اللغة، بيروت، دارالفکر.
۴. ابن منظور، ابوالفضل محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بيروت، دارصادر.
۵. افتخاری، اصغر، (۱۳۸۷)، انقلاب اسلامی و امنیت ملی در آمدی بر تحول گفتمانی، راهبرد امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، گفتارهایی درباره انقلاب اسلامی، تهران، دانشگاه امام صادق(ع).
۶. امامی، سیدمجید، (۱۳۹۱)، از جامعه شناسی تمدن تا معناشناسی ملک، مجله سوره اندیشه، ش ۶۵ و ۶۴.
۷. بلاغی نجفی، محمدجواد، (۱۴۲۰ق)، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، بنیاد بعثت.
۸. پسندیده، عباس، (۱۳۸۶)، «اتحاد و نظریه اقتدار سیاسی در فلسفه سیاسی اسلام»، مجله حکومت اسلامی، ش ۴۴.
۹. تمیمی آمدی، (۱۳۶۶)، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق مصطفی درایتی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۰. جان احمدی، فاطمه، (۱۳۹۶)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران، دفتر نشر معارف.

۱۱. جعفری، محمدتقی، (۱۳۷۵)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۲. جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۲)، «ارکان تمدن و نقش انقلاب اسلامی در اعتلای مجدد تمدن نوین اسلامی»، مجله مدیریت فردا، ش ۲.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۳)، توحید در قرآن، قم، اسراء.
۱۴. دورانت، ویل، (۱۳۷۸)، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۵. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.
۱۶. رازی، فخرالدین محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۷. زمانی، مصطفی، (۱۳۴۸)، اسلام و تمدن جدید، تهران، کتابخانه صدر.
۱۸. ساروخانی، باقر، (۱۳۷۰)، درآمدی بر دائرة المعارف علوم اجتماعی، تهران، کیهان.
۱۹. سید رضی، (بی تا)، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، قم، دارالهجره.
۲۰. شرتونی، سعید، (۱۴۰۳ق)، اقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد، قم، مکتبه آیه الله العظمی مرعشی نجفی.
۲۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، (۱۴۰۳ق)، الخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
۲۲. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۸۹)، المیزان فی التفسیر القرآن، قم، بوستان کتاب.
۲۳. عمید، حسن، (۱۳۵۸)، فرهنگ عمید، تهران، امیر کبیر.
۲۴. قرائتی، محسن، (۱۳۸۸)، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، چاپ یازدهم.
۲۵. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، مصحح جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
۲۶. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، (۱۴۱۷ق)، دائرة المعارف قرآن کریم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۷. مشیری، مهشید، (۱۳۷۴)، فرهنگ زبان فارسی، تهران، سروش.
۲۸. مصطفوی، سیدحسن، (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۲)، جامعه و تاریخ، تهران، صدرا، چاپ شانزدهم.
۳۰. معین، محمد، (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر.
۳۱. مغینه، محمدجواد، (۱۴۲۴ق)، تفسیر کاشف، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. ولایتی، علی اکبر و همکاران، (۱۳۹۲)، «تقویم تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران»، تهران، امیرکبیر، چاپ چهارم، جلد یک.